خبر

بلینکن:

قضاوت درباره موفقیت حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران زود است

دیپلمات پیشین آمریکایی با اشاره به تجاوز نظامی آمریکا علیه تاسیسات هسته‌ای ایران، گفت که هنوز مشخص نیست این اقدام موفق بوده یا خیر.

به گزارش ایسنا، «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه پیشین آمریکا در گفت‌وگوی اختصاصی با «فرید زکریا» کارشناس و مجری شبکه سی‌ان‌ان درباره حمله تجاوزکارانه آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران صحبت کرد.

فرید زکریا که اجرای برنامه جی‌پی‌اس در سی‌ان‌ان را برعهده دارد، از بلینکن پرسید: «شما مقاله‌ای در نیویورک‌تایمز نوشتید و گفتید حمله ترامپ به ایران یک اشتباه بود، هرچند امیدوار بودید که موفق شود. آیا منصفانه است بگوییم که این حمله موفق شد و شما در مخالفت با آن اشتباه کردید؟»

بلینکن نیز پاسخ داد: فکر می‌کنم هنوز برای قضاوت زود است. من واقعاً امیدوار بودم که موفق شود، چون این مشکلی است که باید با آن مواجه شویم. اما اجازه بدهید کمی به عقب برگردیم.

وزیر خارجه پیشین آمریکا با اشاره به توافق برجام که در سال ۲۰۱۵ منعقد شد، گفت: البته ما در دوران اوباما توافق هسته‌ای با ایران را داشتیم. این توافق برنامه هسته‌ای ایران را در یک چارچوب محدود قرار داد و به‌طور مشخص تضمین می‌کرد که برای یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، ایران بدون صرف زمان بسیار، یعنی حداقل یک سال یا بیشتر، قادر به تولید مواد شکافت‌پذیر کافی برای ساخت سلاح هسته‌ای نباشد.

او در ادامه تصریح کرد: اگر ایران تصمیم می‌گرفت توافق را نقض کند و به سمت تولید مواد شکافت‌پذیر برای سلاح حرکت کند، ما متوجه می‌شدیم و می‌توانستیم اقدامی انجام دهیم. این توافق حداقل یک دهه و احتمالاً ۱۵ تا ۲۰ سال زمان می‌خرید؛ برخی مفاد آن به‌تدریج منقضی می‌شد اما می‌توانست تمدید شود.

بلینکن در پاسخ به زکریا که گفت «بمباران، برنامه ایران را به شکلی مشابه به عقب انداخت»، گفت: دلیل طرح این موضوع این است که ما هم دقیقاً همین فکر یا فرصت را داشتیم. ما مصمم بودیم که با این مشکل برخورد کنیم. سؤال این است که بهترین راه چیست؟

دیپلمات پیشین آمریکایی در ادامه گفت: مشکلی که ما با بمباران برنامه هسته‌ای داشتیم این بود که بله، می‌توانست آن را بسته به ارزیابی شما، یک تا دو سال عقب بیندازد. اما اگر ایران تصمیم می‌گرفت آن‌را بازسازی کند، آن هم در عمق بیشتر زمین و در مکان‌هایی که ما به آن‌ها دسترسی نداشتیم، چند سال بعد با مشکلی حتی بدتر مواجه می‌شدیم.

او با بیان اینکه «توافق دیپلماتیک برای ما ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ سال زمان خرید و در عین حال این گزینه را حفظ کرد که اگر لازم شد، در آینده از زور استفاده کنیم»، تصریح کرد: بنابراین هنوز نمی‌توان قضاوت کرد، چون نمی‌دانیم ایران چه تصمیمی خواهد گرفت.

بلینکن در پایان گفت: امیدوارم که در نهایت به این نتیجه برسند که نباید این برنامه را دنبال کنند. اما نگرانم که در واقع چنین نکنند و در مقطعی، برنامه را به شکلی بازسازی کنند که خطرناک‌تر باشد.

«سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفته است تاسیسات هسته‌ای ایران در پی حملات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی آسیب دیده است اما دانش هسته‌ای ایران درون‌زاست و فناوری را نمی‌توان بمباران کرد.

وزیر خارجه ایران همچنین تاکید کرده که موضوع هسته‌ای ایران اساسا راه‌حل نظامی ندارد.

خبرسازی‌های جدید درباره نقشه نخست وزیر رژیم صهیونیستی برای تکرار تجاوز به ایران بررسی شد

حیات نتانیاهو در ادامه تنش

همزمان با کاهش شدت جنگ در غزه، بنیامین نتانیاهو با هدف آغاز تنشی تازه در منطقه راهی کاخ سفید خواهد شد و این‌بار بهانه، بُرد موشکی ایران است. گرچه این ماجراجویی نخست‌وزیر رژیم اسرائیل برای ایران تازگی ندارد اما می‌تواند به علامت سوال مهمی در افکار عمومی و دولت‌های جهان تبدیل شود که چرا چرخه بحران‌خواهی تل‌آویو را پایانی نیست.

همزمان با کاهش شدت جنگ در غزه با فشارهای ترامپ، نتانیاهو در پی بازگشت به تنش و این‌بار در میدان دیگری است

به گزارش ایرنا، «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم اسرائیل هفته آینده و بر اساس آنچه گزارش‌های خبری منتشر کرده‌اند؛ با «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا دیدار و گفت‌وگو کند. این دیدار بر مبنای اعلام مقامات اسرائیلی ۲۹ دسامبر (هشتم دی ۱۴۰۴) خواهد بود و گفته شده موضوع ایران یکی از مهمترین محورهای گفت‌وگوهای نخست‌وزیر رژیم اسرائیل و آمریکاست و به نظر می‌رسد نتانیاهو بار دیگر در تلاش است تا ماجراجویی تازه‌ای در منطقه را طرح‌ریزی کند.

چرا نتانیاهو جنگ می‌خواهد؟

فراغت از جنگ، برای نخست‌وزیر اسرائیل، کابوسی است که برای رهایی از آن هیچ خط قرمزی برای خود قائل نیست و همزمان با کاهش شدت جنگ در غزه با فشارهای ترامپ، نتانیاهو درپی بازگشت به تنش و این‌بار در میدان دیگری است. بر اساس آنچه رسانه‌های غربی مدعی آن شدند قرار است نخست‌وزیر رژیم اسرائیل درباره برنامه موشک‌های بالستیک ایران و سناریوهای احتمالی یک حمله نظامی مجدد با رئیس‌جمهور آمریکا به گفت‌وگو بنشیند. موضوعی که فارغ از میزان صحت آن، این پرسش را ایجاد می‌کند که نتانیاهو چرا بار دیگر هوس حمله به ایران را در سر دارد و چرا این‌بار بهانه، برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران است.

در بررسی پاسخ‌های موجود به این پرسش می‌توان آن را به دو بخش تقسیم کرد، گروهی از این دلایل موضوعاتی داخلی و مرتبط با رویدادهای جاری در سرزمین‌های اشغالی است، جایی که نتانیاهو برای حفظ سمت خود به هر آن چیزی که در دسترس است چنگ می‌زند. درخواست عفو از «اسحاق هرتسوگ» رئیس‌جمهور این رژیم و تقلا برای راضی سازی دونالد ترامپ به منظور همراهی در ماجراجویی جدید، از نشانه‌های این چنگ زدن است.

بیش از دو سال است که نخست‌وزیر رژیم اسرائیل به دلایل متعددی تلاش می‌کند تا از محاکمه به دلایل متنوعی از جمله پرونده‌های فساد شانه خالی کند و هرگونه آرامش نسبی در سرزمین‌های اشغالی به معنای آغاز جدی این روند محاکمه است. از سوی دیگر انتخابات آینده در سرزمین‌های اشغالی هم می‌تواند بسیاری از معادلات را در این سرزمین‌ها و برای دولت نتانیاهو تغییر دهد و در نهایت بحران مشروعیت سیاسی نخست‌وزیر رژیم اسرائیل را پررنگ‌تر از گذشته مشخص کرده و به شکاف‌های اجتماعی در داخل عمق ببخشد. همزمان بخشی از جامعه اسرائیل پس از عملیات هفت اکتبر اعتماد خود به تثبیت هرگونه صلح و آرامشی را در داخل این سرزمین‌ها از دست داده و به طور مشخص نخست‌وزیر را مسئول آن می‌دانند. مهاجرت‌های قابل تامل از سرزمین‌های اشغالی به کشورهای دیگر هم نمود مشخص این بی‌اعتماد است.

از این رو طراحی اهریمن تازه و اقناع داخلی و خارجی برای مبارزه با این اهریمن به بخشی از سیاست و پای ثابت اقدامات نخست وزیر رژیم صهیونیستی تبدیل شده است و در حال حاضر پس از غزه، سوریه و یمن، اهریمن تازه ایران و لبنان هستند و نتانیاهو برای فرافکنی درباره نتیجه دادگاهی که سال‌هاست برگزار می‌شود، به جنگ تازه‌ای با ایران یا لبنان نیاز دارد. بُعد واقعی و البته ملموس‌تر برای ماجراجویی جدید به یک واقعیت مشخص بازمی‌گردد که در طول جنگ ۱۲ روزه به نتانیاهو تحمیل و در سرزمین‌های اشغالی احساس شد؛ واقعیت موشک‌ها و پهپادهای ایرانی که توانستند از گنبدها و سیستم‌های رهگیری متنوع و بسیار پرهزینه‌ای متعلق به ناتو، آمریکا و رژیم اسرائیل عبور و در میانه تاسیسات حیاتی چون موسسه وایزمن فرود آیند.

این واقعیت را یکی از تحلیلگران آمریکایی در رسانه «گلوبال‌ریسرچ» با این ادبیات توصیف کرده است: چرا اسرائیل ناگهان به آتش‌بس با ایران رضایت داد؟ این سؤالی است که رسانه‌های غربی پاسخی به آن نداده‌اند و مردم آمریکا را در تاریکی نگه داشته‌اند. شاید شنیده باشید که ذخیره موشک‌های دفاع هوایی اسرائیل رو به اتمام بود و این آن‌ها را در برابر حملات ایران آسیب‌پذیر می‌کرد، اما این فقط گوشه‌ای از ماجراست. حقیقت این است که اسرائیل زیر باران بی‌امان موشک‌های ایرانی در حال فروپاشی بود و چاره‌ای جز توقف این ویرانی نداشت.

با چنین تجربه‌ای از موشک‌های ایران، تلاش برای محدودسازی و یا حتی نابودسازی آن از سوی رژیم اسرائیل موضوع عجیبی نیست، عجیب اما نحوه بازی کاخ سفید در این داستان است که تمام قد این خواسته نتانیاهو را تکرار کرده و از ایران می‌خواهد برنامه موشکی خود را محدود سازد. فهم دقیق معادلات روی زمین شاید برای مقامات رژیم اسرائیل به واسطه بی‌کیفرمانی مکرر ماجراجویی‌هایی آن‌ها و حمایت‌های بی‌دریغ غرب از تل‌آویو و آن زیاده‌خواهی‌ها، امکان‌پذیر نباشد اما انتظار از ایالات متحده آمریکا به عنوان قدرتی که مدعی مدیریت جهان است، این خواهد بود که منطق عقلایی خود را در این زمینه به کار بسته و به این گزاره برسد که تهران دقیقا به این دلیل برنامه موشکی خود را با جدیت پیگیری کرده است که راه دفاع از خود در برابر رژیمی که به هیچکس پاسخگو نیست را در همین موضوع می‌داند. از منظر منطق عقلایی نمی‌توان از سرزمین و دولتی انتظار داشت با دست خود سد دفاعی و بازدارنده خود را در برابر دشمن کنار گذاشته و نابود کند. فهم این موضوع از سوی کاخ سفید همان کلید گمشده‌ای است که می‌توانست و می‌تواند قفل دیپلماسی امروز را باز کرده و شرایط را تغییر دهد.

راهبرد دوگانه تهران؛ ترکیب بازدارندگی دفاعی و دیپلماسی‌هوشمند

ادعاهای رنگارنگ رسانه‌ای با چاشنی حمله نظامی رژیم اسرائیل به ایران، در طول ماه‌های گذشته به تناوب در تیترها و تحلیل‌های متنوعی تکرار شده است و با توجه به ماهیت رژیم اسرائیل، نمی‌توان این تیترها و تحلیل‌ها را نادیده گرفت از این روست که تهران سیاست و اقدامات خود را در بالاترین میزان هوشیاری در برابر این احتمالات تعریف کرده است. موضوعی که از «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه تا فرماندهان نظامی ایران بر آن تاکید دارند.

«اسماعیل بقائی» سخنگوی وزارت امور خارجه در نشست خبری امروز (دوشنبه یک دی‌ماه) در پاسخ به این پرسش ایرنا که برخی این موج‌سازی‌های اخیر را تلاشی برای متقاعد کردن تهران به مذاکره درباره برنامه موشکی خود می دانند، گفت: برنامه موشکی ایران صرفاً برای دفاع از کیان کشور توسعه داده شده و اساساً موضوع مذاکره نیست. قابلیت‌های دفاعی جمهوری اسلامی ایران با هدف بازداشتن متجاوزان از هرگونه خیال حمله به ایران طراحی شده و به هیچ عنوان امری نیست که بتوان درباره آن گفت‌وگو یا چانه‌زنی کرد.

وی ادامه داد: نکته دوم این است که در این زمینه با نوعی نفاق و دورویی آشکار مواجه هستیم. برنامه موشکی دفاعی ایران به‌عنوان «تهدید» معرفی می‌شود، اما هم‌زمان شاهد سرازیر شدن سیل تسلیحات کشتار و حتی سلاح‌های کشتار جمعی به سوی رژیم صهیونیستی هستیم؛ رژیمی که مشغول نسل‌کشی است، خاک دو کشور را در اشغال خود دارد و تنها در چند ماه اخیر به هفت کشور حمله کرده است. این وضعیت، یک تناقض آشکار و نشانه‌ای از تباهی اخلاقی کاملاً روشن است که ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهایی که حامی این رژیم هستند، باید در قبال آن پاسخگو باشند.

برای تهران ماجراجویی رژیم اسرائیل موضوعی محتمل‌تر از همیشه است و از این رو تلاش برای ایستادن در برابر آن را در دستور کار قرار داده است اما آیا تل‌آویو، منطقه و جهان هم برای این روند آمادگی لازم را دارند؟ آیا شعله‌ور شدن آتش جنگ در خاورمیانه تنها محدود به مرزهای ایران و سرزمین‌های اشغالی خواهد ماند؟ آیا ایران خواهد پذیرفت که مهمترین بازوی دفاعی خود در برابر اسرائیل را از دست بدهد؟ آیا کشورهای منطقه از این تنش آسیب نخواهند دید؟ آیا بازارهای مالی و انرژی جهان از این شرایط لطمه‌ای نخواهند خورد؟ این پرسش‌ها و پاسخ‌های منفی به هریک از آن‌ها حکایت از آن دارد که تبعات دور تازه زیاده‌خواهی رژیم اسرائیل، نه تنها محدود نیست بلکه دامنه‌دار و بلندمدت بوده و بر امنیت منطقه، اقتصادی جهانی و نیز مناسبات بین‌المللی تاثیر خواهد داشت.

تهدید نظامی علیه ایران، در حالی که هنوز به نام آتش‌بس در غزه کشتار صورت می‌گیرد، بخش‌هایی از لبنان و سوریه مورد بمباران جنگنده‌های اسرائیل است، میان روسیه و اوکراین همچنان جنگ بزرگی در جریان است و همه این موارد زنجیره اقتصاد و انرژی در جهان را تحت تاثیر قرار داده است، ریسکی بزرگ است که افزایش بهای نفت، اختلال در مسیرهای کشتیرانی، ناامنی سرمایه‌گذاری در منطقه و تشدید بی‌ثباتی مالی، تنها گوشه‌ای از تبعات این تهدید خواهد بود. از این منظر، حمایت بی‌قیدوشرط آمریکا از ماجراجویی‌های تل‌آویو، نه‌تنها منافع متحدان واشنگتن را تامین نمی‌کند، بلکه می‌تواند به عاملی برای زیر سوال رفتن منافع این کشورها هم منتهی شود.

تهران در برابر این تهدیدها اما رویکردی متشکل از دو محور را در دستور کار دارد. در محور نخست و در مسیر ارتقا توان دفاعی و موشکی خود روند معقولی را در پیش گرفته است تا بازدارندگی لازم را در حمله و دفاع احتمالی افزایش دهد و در محور دوم بر دیپلماسی تاکید می‌کند؛ دیپلماسی با مختصات، اهداف و دستور کار مشخص. در این رویکرد ترکیبی؛ تهران ضمن تاکید بر بهره‌گیری از تمام توان خود در مسیر دفاع از تمامیت ارضی خود؛ تصریح کرده که در پی تنش نیست و این مهم را با تقویت سیاست همسایگی و حضور در ائتلاف‌های منطقه‌ای نشان داده است تا مشخص شود روند اهریمن‌سازی نتانیاهو در عالم واقع هیچ پشتوانه منطقی ندارد.

از این روست که تمایل ناتمام نتانیاهو به تنش، نیازمند مهار است؛ مهاری قبل از جدی‌تر شدن بحران. از آن رو که حتی تهدید به انجام حمله علیه ایران می‌تواند موازنه امنیتی در غرب آسیا را بیش از پیش شکننده کرده و بحران‌های موجود را عمق بخشد و دومینویی از رویدادهای نه چندان خوشایند را ایجاد کند. دومینویی که تئوری تنش کنترل شده با اقدامات و اهداف محدود را با تردیدهای جدی مواجه خواهد ساخت. در نهایت می‌توان گفت چرخه بحران‌خواهی نتانیاهو بیش از آنکه نشان‌دهنده قدرت مورد ادعای وی باشد، انعکاس بن‌بستی است که نخست‌وزیر رژیم اسرائیل خود و بسیاری را در سرزمین‌های اشغالی گرفتار کرده و اکنون تلاش دارد آن را به منطقه و حتی جهان تسری دهد.

گروسی:

بیشتر اورانیوم با غنای بالای همچنان در ایران است

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: آژانس معتقد است که بیشتر اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالای ایران در این کشور باقی مانده است.

به گزارش ایسنا، «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امروز (دوشنبه) در اظهاراتی مدعی شد که دیده‌بان هسته‌ای سازمان ملل در رابطه با تاسیسات هدف قرار گرفته ایران در جریان حمله متجاوزانه آمریکا «با کمبود اطلاعات جدی مواجه است».

او که با خبرگزاری ریانووستی گفت‌وگو می‌کرد، افزود: «و این از دیدگاه عدم اشاعه، بسیار منفی است، زیرا حتی اگر این تأسیسات به‌طور جدی آسیب دیده باشند، درک روشنی وجود دارد که بیشتر اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالای ایران هنوز در این کشور است. این از منظر عدم اشاعه بسیار حائز اهمیت است.»

پنتاگون پیش از این ادعا کرده بود که اقدام نظامی متجاوزانه آمریکا علیه ایران در ماه ژوئن منجر به نابودی کامل سه سایت هسته‌ای کلیدی ایران در نطنز، فردو و اصفهان شده و عقب‌گرد قابل توجه قابلیت‌های آن در این زمینه را در پی داشته است.

«دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا نیز اعلام کرده بود که پس از حملات اخیر ایالات متحده، سال‌ها طول خواهد کشید تا ایران برنامه هسته‌ای خود را از سر بگیرد.

در همین حال، مقامات جمهوری اسلامی ایران به اشاره به این‌که بمباران آمریکا به تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی کشور خسارات جدی وارد کرده است، تاکید می‌کنند که تهران قصد دارد به توسعه برنامه انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز خود ادامه دهد.

اخبار

واکنش تند دانمارک به اقدام تحریک‌آمیز ترامپ

سفیر آمریکا احضار می‌شود

در واکنش به انتصاب یک نماینده ویژه از سوی آمریکا برای گرینلند، دولت دانمارک با اعلام احضار سفیر آمریکا گفت که تمامیت ارضی پادشاهی دانمارک، ازجمله گرینلند، باید مورد احترام همه کشورها قرار گیرد.

به گزارش ایسنا، «لارس لوکه راسموسن»، وزیر امور خارجه، در مصاحبه‌ای با شبکه TV۲ دانمارک گفت: «من عمیقاً از این انتصاب و بیانیه که کاملاً غیرقابل قبول می‌دانم، خشمگین هستم.» وی افزود که وزارت امور خارجه در روزهای آینده سفیر ایالات متحده را «برای دریافت توضیح» احضار خواهد کرد.

وزیر امور خارجه دانمارک گفت که کشورش بر لزوم احترام همه دولت‌ها ازجمله ایالات متحده به «تمامیت ارضی پادشاهی دانمارک» تأکید دارد. این موضع پس از آن مطرح شد که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا انتصاب فرماندار ایالت لوئیزیانا را به‌عنوان نماینده ویژه ایالات متحده در گرینلند اعلام کرد.

ترامپ در دوران انتقال قدرت و ماه‌های ابتدایی دور دوم ریاست‌جمهوری خود بارها خواستار اعمال حاکمیت آمریکا بر گرینلند شد؛ منطقه‌ای وسیع و نیمه‌خودمختار که تحت حاکمیت دانمارک است و به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و منابع معدنی خود اهمیت راهبردی دارد. ترامپ همچنین احتمال توسل به نیروی نظامی برای کنترل این جزیره را رد نکرده است.

در ماه مارس نیز «جی. دی. ونس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا، در جریان بازدید از یک پایگاه نظامی در مناطق دورافتاده گرینلند، از دولت دانمارک به دلیل «سرمایه‌گذاری ناکافی» در این منطقه انتقاد کرد.

گرچه موضوع گرینلند به‌تدریج از عناوین خبری کنار رفته بود، اما در ماه اوت مقام‌های دانمارکی سفیر آمریکا را پس از انتشار گزارشی درباره انجام عملیات‌های نفوذ پنهان در گرینلند توسط دست‌کم سه فرد مرتبط با ترامپ، احضار کردند. دانمارک و آمریکا هر ۲ عضو ناتو هستند.

ترامپ روز یکشنبه اعلام کرد که «جف لندری»، فرماندار ایالت لوئیزیانا، به‌عنوان نماینده ویژه آمریکا در امور گرینلند منصوب شده است. ترامپ در بیانیه‌ای گفت: «جف می‌داند گرینلند تا چه اندازه برای امنیت ملی ما ضروری است و منافع کشور را برای امنیت و بقای متحدان‌مان و حتی جهان، به‌طور جدی پیش خواهد برد.»

لندری نیز در پیامی در شبکه «ایکس» نوشت که «افتخار دارد در این جایگاه داوطلبانه خدمت کند تا گرینلند را بخشی از ایالات متحده سازد.»

«لارس لوکه راسموسن» وزیر خارجه دانمارک در بیانیه‌ای کوتاه گفت: «این انتصاب تأییدکننده ادامه علاقه آمریکا به گرینلند است. بااین‌حال، تأکید می‌کنیم که همه کشورها ـ ازجمله ایالات متحده ـ باید به تمامیت ارضی پادشاهی دانمارک احترام بگذارند.»

در اوایل ماه میلادی جاری، سرویس اطلاعات دفاعی دانمارک در یک گزارش سالانه اعلام کرده بود که آمریکا از قدرت اقتصادی خود برای «تحمیل اراده‌اش» و تهدید به استفاده از نیروی نظامی علیه دوستان و دشمنان استفاده می‌کند.

برگزاری نخستین کنگره ملی سیاست خارجی و نهمین کنفرانس ملی تاریخ روابط خارجی ایران

نخستین کنگره ملی «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» و نهمین کنفرانس ملی «تاریخ روابط خارجی ایران» به همت مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، در روزهای ۱۹و۲۰ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ برگزار می‌شوند.

به گزارش ایسنا، بر اساس اعلام دبیرخانه، این رویداد علمی ـ پژوهشی در دو روز متوالی برگزار خواهد شد؛ به‌گونه‌ای که روز نخست به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روز دوم به مباحث مرتبط با تاریخ روابط خارجی ایران اختصاص دارد.

محورهای اعلام‌شده برای این کنگره، موضوعات اصلی مقالات علمی‌بوده و پژوهشگران، اساتید، دانشجویان و علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را در چارچوب این محورها تدوین و ارسال کنند. مقالات پذیرفته‌شده، علاوه بر ارائه در کنگره، در کتاب سال سیاست خارجی نیز منتشر خواهند شد. این رویداد با هدف واکاوی روندها، تجربیات تاریخی و چشم‌اندازهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و ایجاد بستری برای گفت‌وگوی علمی میان اندیشمندان و پژوهشگران برگزار می‌شود.

ترامپ و سبک تازه‌ای از «ریاست جمهوری امپراتوری»

«ترامپ در اولین سال بازگشت به قدرت، بی‌پروا مظاهر سلطنت را پذیرفته، همانطور که قدرت تقریباً لجام‌گسیخته‌ای را برای تغییر دولت و جامعه آمریکا به دلخواه خود اعمال کرده است. ترامپ، چه در نمایش‌های باشکوه و چه در سیاست، نسخه جدیدی از «ریاست جمهوری امپراتوری» را بنا نهاده که حتی از ریاست جمهوری ریچارد ام. نیکسون که این اصطلاح نیم قرن پیش برای او رواج یافت، بسیار فراتر است.»

به گزارش ایسنا، نشریه «نیویورک تایمز» در گزارشی با توصیف ریاست جمهوری دوم «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا به عنوان یک «ریاست جمهوری امپریالیستی» نوشته است: ترامپ ۲، ترامپ ۱ رها شده است. تزئینات طلایی در دفتر بیضی شکل، تخریب بال شرقی که قرار است با یک سالن رقص عظیم جایگزین شود، گچ‌کاری نام و چهره او بر روی ساختمان‌های دولتی و اکنون حتی مرکز هنرهای نمایشی جان اف کندی، تعیین روز تولد خودش به عنوان یک روز تعطیل با ورود رایگان در پارک‌های ملی - همه اینها نشان از یک بزرگ‌نمایی شخصی و انباشت قدرت با مقاومت ناچیز از سوی کنگره یا دیوان عالی کشور دارد.

این روزنامه در توضیح «تشریفات سلطنتی» به میزبانی ترامپ از ولیعهد عربستان با الهام از تشریفات پادشاهی بریتانیا در میزبانی از مقامات خارجی اشاره کرده و مراسم استقبال پرزرق و برقی شامل پرواز هواپیماهای نظامی، استفاده از اسب و میزهای مجلل تشریفاتی دراز به جای میزهای دایره‌ای شکل معمولی را خاطرنشان کرده است.

برای برخی ناظران، این تزئینات غیرمعمول کمی آشنا به نظر می‌رسد. تنها ۲ ماه قبل از آن، «چارلز سوم»، پادشاه انگلیس در جریان سفر رسمی ترامپ به کشورش مراسم استقبالی را ترتیب داد که درست به همان شکل شامل پرواز هواپیماهای نظامی، به نمایش گذاشتن اسب‌های سیاه و ترتیب دادن یک شامل مجلل در تالار سنت جورج در کاخ ویندزور بود.

تقریباً ۲۵۰ سال پس از آنکه استعمارگران آمریکایی پادشاه خود را سرنگون کردند، مسلماً این نزدیک‌ترین زمانی است که کشور در دوران صلح عمومی به اقتدار متمرکز یک پادشاه رسیده است.

ترامپ تفسیر مجدد یک متمم قانون اساسی و از بین بردن سازمان‌ها و ادارات ایجاد شده توسط کنگره را بر عهده خود می‌داند. او به مؤسسات خصوصی دیکته می‌کند که چگونه امور خود را اداره کنند. او سربازان را به خیابان‌های آمریکا می‌فرستد و جنگی غیرمجاز علیه قایق‌های غیرنظامی در کارائیب به راه می‌اندازد. او آشکارا از اجرای قانون برای آنچه رئیس ستاد خودش «تسویه حساب» علیه دشمنانش می‌نامد، استفاده می‌کند، او متحدان مورد علاقه‌اش را عفو می‌کند و انتقاد را با فتنه‌ای که مجازات آن مرگ است، برابر می‌داند.

به عقیده این نشریه آمریکایی «بازآفرینی ریاست جمهوری» توسط ترامپ، موازنه قدرت در واشنگتن را به شیوه‌های عمیقی تغییر داده است و این تغییرات احتمالا مدت‌ها پس از کنار رفتن او از صحنه قدرت، دوام خواهند آورد. معمولا زمانی که یک شاخه از دولت اقتداری را به دست بیاورد بعید است آن را با میل و رغبت پس دهد. در نهایت اقداماتی که زمانی نظام حاکم را شوکه می‌کنند می‌توانند عادی تلقی شوند. در حالی که سایر روسای جمهور آمریکا تلاش می‌کردند از شدت محدودیت‌ها کم کنند اما ترامپ از آنها عبور کرده و هر کسی را به مبارزه طلبیده تا اگر می‌تواند جلوی او را بگیرد.»

«متیو دالک» مورخ سیاسی عضو دانشگاه جورج واشنگتن می‌گوید: «دوره دوم ترامپ از بسیاری جهات صرفا نشان دهنده گسست در هنجارها و انتظارات ریاست جمهوری نیست بلکه همچنین نقطه اوج یک روند ۷۵ ساله است که در طی آن روسای جمهور برای افزایش هر چه بیشتر قدرت و اختیاراتشان تلاش کرده‌اند.»

به عقیده نگارنده، اقدامات فعلی ترامپ نقطه اوج چهار سال برنامه‌ریزی است که او ما بین دوره اول و دومش انجام داد. در دور اول، ترامپ یک تازه‌وارد عرصه سیاست بود که نمی‌دانست دولت چگونه کار می‌کند و خود را با مشاورانی احاطه کرده بود که سعی داشتند افراطی‌ترین غرایز او را مهار کنند. این بار، او با دستورکار انجام کارهایی که در دور اول ریاست جمهوری خود انجام نداده بود به قدرت رسیده و تیمی از وفاداران همفکر با خودش که قصد تغییرات در کشور را دارند در کنارش هستند

به نوشته نیویورک تایمز عدم نظارت بر عملکرد ترامپ، به او آزادی عملی نه تنها در حوزه سیاست‌گذاری، بلکه برای سودآوری شخصی داده که حتی اسلافش هم از آن برخوردار نبودند. هر چند خانواده‌های دیگر روسای جمهور ایالات متحده نیز با استفاده از اعتبار کاخ سفید سود برده‌اند، هیچ‌کدام به اندازه ترامپ و دارودسته‌اش در این مسیر موفق یا جسور نبوده‌اند.

خانواده رئیس جمهور آمریکا در طول ۱۱ ماهی که از بازپس‌گیری کاخ سفید توسط او می‌گذرد، حداقل روی کاغذ، میلیاردها دلار از طریق معاملات تجاری در سراسر جهان، سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال، و با استفاده از افرادی که منافعی در سیاست آمریکا دارند سود کسب کرده‌اند.

ترامپ در عین حال به طور سیستماتیک بسیاری از ابزارهای پاسخگو کردن مقامات را از بین برده است. او افراد وفادار به حزب خود را در اف.بی.آی و وزارت دادگستری منصوب کرده، بازرسان کل و ویژه را اخراج کرده، دادستان‌ها و مأمورانی را که در تحقیقات گذشته در مورد معاملات او شرکت داشته‌اند، پاکسازی کرده و بخش صداقت عمومی را که فساد سیاسی را بررسی می‌کند، از بین برد. جمهوری‌خواهان کنگره در حالی که سابق بر این مشتاقانه ارتباطات تجاری «هانتر بایدن»، پسر جو بایدن را زیر ذره‌بین قرار داده بودند، هیچ علاقه‌ای به بررسی دقیق ارتباطات تجاری ترامپ ندارند.